

## خدمات اقتصادی و عمرانی شاهسون ها

فیروز منصوری

اولتاریوس در سفرنامه اش، پس از تعیین وسعت دشت مغان و ساکنان آن به نام (سومک رعیتی)، درباره گله داری و چراگاه های شاهسون ها، اطلاعات زیر را عرضه می دارد:

به طور کلی زمین آنجا حاصلخیز و دارای چراگاه های خوبی است. به همین سبب در اطراف اردبیل و چراگاه های آن، شصت دهکده وجود دارد. فقط چراگاه های مزبور به تنهایی درآمد بزرگی برای شاه در سال فراهم می کند. زیرا گله داری ثروتمند عرب و ترک که تعدادی از آنها به سبب پذیرش کیش ایرانیان، و دسته دیگر به دلیل اینکه خود را زیر حمایت شاه ایران قرار داده اند (شاه سون نام گرفته اند). در این منطقه مجاز به استفاده از چراگاه ها، هستند و می توانند به خرید و فروش احشام اشتغال داشته باشند و ناگزیر مالیات بپردازند. یکی از مأمورین که برای نظارت به امور مربوط به وصول مالیات از چراگاه ها و گله و احشام از طرف دولت گمارده شده بود، برای ما تعریف کرد که ظرف مدت ۱۴ روز یکصد هزار رأس گوسفند از پل گذشته است. برای چریدن هر رأس گوسفند چهار قازبیک که ارزش آن ۲ پنی استرلینگ است، به صورت نقد یا دادن گوسفند، مالیات دریافت می شود. هنگام فروش هر رأس گوسفند دوباره همین رقم وصول می گردد.\* عواید و عوارض اخیر «چوپان بیگی» نامیده می شود و دیگری «علف خور و آب خور» است که از بابت آب و علف وصول می گردد. ترک ها این گونه عوارض را «اوت باشی» می گویند.<sup>۱\*</sup>

سی سال بعد از اولتاریوس، جان ستریوس همان مسیر را پیموده و درباره درآمد شاه

از عوارض پل، چنین می‌نگارد: «یکی از مأمورین وصول به من گفت که: بین ماه‌های مارس تا سپتامبر در اردیبهیل ۷۰۰,۰۰۰ رأس گوسفند از روی پل گذشته بودند و درآمد آنها بالغ بر ۲۶,۰۰۰ استرلینگ بوده است که از هر رأس گوسفند چهار پنی عوارض وصول می‌شد.<sup>۲</sup>

نوشته فوق می‌رساند که در عرض سی سال مالیات مورد بحث افزایش نیافته بود، عوارض مخصوص پل و هنگام فروش هر رأس گوسفند، چهار پنی بوده است. از نوشته‌های اولتاریوس تکمیل اطلاعات نموده، می‌توانیم از اصطلاح «شاهسون بغدادی» هم آگاهی داشته باشیم. یعنی غیر از ترک‌ها، گله‌دارهای ثروتمند عرب از جانب بغداد به مغان می‌آمدند و اظهار شاهسونی می‌کردند. همین اعراب تابع شاه‌عباس را «شاهسون بغدادی» می‌نامیدند.

کورنلیوس لوپرن، در تابستان ۱۷۰۳ م از دربند به شماخی مسافرت کرده و نوشته است:

نرسیده به شماخی، اعراب اسبان و شتران خود را به چرا آورده و در چادرها زندگی می‌کردند.

مسکن روستائیان را در سه فرسخی شماخی خیمه‌ها و آلاچیق‌ها تشکیل می‌دهد. مردم دهکده‌ها اعرابی هستند که گله‌های اسب و شتر دارند. لوپرن آنگاه که از شماخی به اردبیل رهسپار می‌شد، نرسیده به جواد از چادرهای اعراب و اتراک یاد می‌کند.<sup>۳</sup>

محمدطاهر وحید قزوینی، در عباسنامه ضمن بیان وقایع سال ۱۰۷۱، هجری آورده است:

قبل از این رقم زده کلک بیان گردید (ص ۲۴۸) که خاطر اعلیحضرت ظل رحمان متوجه آبادانی گرجستان گردید که موازی پانزده هزار خانوار از جوانشیر و بیات و اربطان و سایر ایلات آذربایجان با خانه کوچ و دواب و اغنام و مواشی روانه گرجستان کاخت (شمال گنجه) نموده سه باب قلعه متین و رضین در سه محل از محال گرجستان که لازم داند احداث نموده و مستحفظان تعیین نماید. و مقرر دارد که محصولان ساعی ایلات را به گرجستان برده محال گرجستان را سوای محالی که به ارسطا، تاوادان، ازناوران آنجا شفقت شده، در میانه ایلات قسمت نمایند که به زراعت و عمارت و آبادانی قیام نمایند. و ارقام مطاعه در باب روانه شدن معمار و

بنّا و سایر عمله عمارت صادر گردید، و مبلغی نقد از خزانه عامره جهت اخراجات قلاع داده شد. عالیجاه قولر آغاسی حسب فرمان واجب‌الاذعان محصلان ساعی تعیین نموده موازی پانزده هزار خانوار از ایلات بشرح مقرر روانه گرجستان نمود، سه باب قلعه در آن حدود احداث نمود و به اتمام رسانیده حقیقت داشته قلاع ثلاثه مزبوره را به شاه‌آباد، اسلام‌آباد، نصرت‌آباد موسوم گردانید ... و حکومت چهاردانگ گرجستان به مرتضی‌قلی خان بیگلربیگی قراباغ و دودانگ به علیقلی خان کنگرلو حاکم نخجوان تفویض یافت .... چون بدسلوکی علیقلی خان کنگرلو مظنون پیشکاران درگاه معلی گردید او را از حکومت نخجوان و گرجستان برداشته مقرر داشتند در الکاء آذربایجان قشلاق نماید.<sup>۴</sup>

چلبی‌زاده، تحت عنوان: «رفتن سرعسکر گنجه حاجی مصطفی‌پاشا به شماخی و عودت وی» در آغاز سال ۱۱۳۹ هجری، پس از شرح مأموریت تحدید حدود مناطق مورد قرارداد روس و عثمانی، در مراجعت وی تنبیه و تدمیر ارامنه سرکش و عصیانگر «صغناق» واقع در شمال گنجه (منطقه کاخت) را گزارش نموده، گفتارش را چنین به انجام می‌رساند: «گنجه یه عزیزمتری اقتضا ایتمکله گنجه‌یه گلوب خدمت محافظ یه مباشرت و مزبور ضعناقن استیصالندن صونراء وراالرنده واقع کوهسارده هوادار لری اولان قراچورلی اکرادی وایچلرنده بولونان شاه‌سونلی و سائرلری استیمان ایتمه لریله، هرکس یرلرینه و عشیرتلی ایچنه واروب فیمابعد ارامنه اختلاط ایلمامک اوزره بیوردیلر ...» (چلبی‌زاده. ص ۴۲۳)

عشیرت شاه‌سونلی مورد اشاره چلبی‌زاده در منطقه کوهستانی گنجه، از همان ۱۵,۰۰۰ خانوار فرستاده شاه‌عباس ثانی بودند که ۶۸ سال پیش برای عمران و آبادی کاخت گرجستان، بدان منطقه کوچ کرده بودند. از قرار معلوم، در غیبت حاکم عثمانی در گنجه، شاهسون‌ها با ارامنه همدست و هم‌رزم شده و بر علیه عثمانیان غاصب مبارزه می‌کردند.

آن‌گاه که یادداشت‌های مربوط به دوران زوال صفویه را مرتب نموده و به پایان می‌رساندم، و از آن همه اطلاعاتی که چلبی‌زاده درباره آذربایجان نگاشته، حتی نمونه ناقص و مشابهی از آنها را در منابع فارسی نمی‌یافتم، به یاد مقاله ارزنده و جالبی افتادم که ۱۸ سال پیش خوانده بودم.

مقاله به قلم دکتر احسان اشراقی، با عنوان: «شاه سلطان حسین در تحفة العالم» در آغاز، ضمن معرفی نسخه خطی **تحفة العالم** اثر میرزا ابوطالب میرزاییک فندرسکی، با توجه به مندرجات کتاب، چنین افاده و افاضت می‌کند:

هنوز یک قضاوت تاریخی از جمیع جهات در مورد شاه سلطان حسین انجام نگرفته است و اگر بخواهیم شخصیت او را از لابلاهای نوشته‌های روزگار نادرشاه و پس از آن ارزیابی کنیم، از واقعیت به دور خواهیم افتاد و ناگزیر باید گفته میرزامحمد خلیل مرعشی صاحب **مجمع التواریخ** را نیز از نظر دور نداریم که می‌نویسد:

(میرزا مهدی‌خان مؤلف تاریخ نادری بعضی احوالات را بنابر مصلحت و هوای وقت در نهایت خفت و ناهمواری و اختصار غیرواقع ذکر نموده) و با این ترتیب داوری ما بر مبنایی صحیح قرار نخواهد گرفت...<sup>۵</sup>

محمدنادر نصیری مقدم نیز در مجله «آینده» به معرفی نسخه خطی دستور شهریاران می‌پردازد، که در آن، اقدامات نیک و مثبت شاه سلطان حسین در ۶ سال آغاز سلطنت وی، با ستایش به قلم آمده است.<sup>۶</sup>

گزارش‌های عاصم افندی از قلعه‌های استوار: خوی، چورس، زنوز، شبستر و سنگربندی‌های تبریز زلزله‌دیده، به ویژه فداکاری و مقاومت دلیرانه اهالی شهرها در مقابله با دشمنان خارجی، معلوم می‌دارد که: اوضاع مردم و طرز حکومت، بدان‌سان نبوده است که در کتابهای مزور و نوشته‌های قالبی تحریف و ترکیب‌یافته و به نام تاریخ به ما مردم خوش‌باور و افسانه‌دوست تبلیغ شده است.

## پی‌نوشت‌ها

1. Olearus, Adam. *The Voyeges & Travels of the Ambassadors*. London, 1662. p. 238-239.
- سفرنامه آدام الثاریوس. ترجمه احمد بهپور. سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، تهران، ۱۳۶۳. ص ۱۲۱.  
مطالب مندرجه در بین دو ستاره، در ترجمه بهپور نیامده است.
2. Struyus, John. *Voyeges of John Struyas*. London, p. 287.
3. Cornelius, Lebrun. *Travels into Moskaw persia*. London, 1737, p. 199, 202, 246.
۴. وحید قزوینی، محمدطاهر. عباسنامه. ص ۲۸۸-۲۸۹.
۵. اشراقی، احسان. «شاه سلطان حسین - در تحفة العالم». تاریخ نشریه گروه آموزشی تاریخ، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵. شماره اول از جلد اول، ص ۷۴-۱۰۲.
۶. نصیری مقدم، محمدنادر. «شاه سلطان حسین صفوی در دستور شهریاران». آینده، سال نوزدهم، شماره‌های ۴-۶ (تیر - شهریور ۱۳۷۲)، ص ۳۳۰-۳۳۳.